

هو الله

طهران

حضرت افنان سدره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای افنان سدره مبارکه بر تفصیل مرقومه از حوادث طهران اطلاع حاصل شد فی الحقیقه چنانست که مرقوم نمودید که از احزاب موجوده در ایران کسیکه بحکومت اطاعت و تمکین دارد حزب اللهست زیرا نه بتلویح بلکه بنص صریح مأمور باطاعت حکومتند و صداقت بدولت بلکه بجانفشانی بجهت عزت ابدیه عالم انسانی و اگر چنانچه نفسی از احبّا بمنصبی رسد و مشمول نظر عنایت اعلیحضرت شهریاری گردد و بمأموریتی منصوب شود باید در امور موکوله خویش بکمال راستی و پاکی و صدق و عفت و استقامت بکوشد و اگر چنانچه ارتکابی کند و ارتشائی نماید مبعوض درگاه کبریاست و مغضوب جمال ابهی و حقّ و اهل حقّ از او بیزار بلکه بمعونه و موجب خویش قناعت نماید و راه صداقت پوید و در ره ملک و ملت جانفشانی فرماید اینست روش و سلوک بهائیان و هر کس از این تجاوز کند عاقبت بخسران مبین افتد ای بهائیان گروه مکروه ایران را ویران نمودند شما همّتی کنید بلکه روحی در جسم آن اقلیم بدمید و زنده نمائید تا تلافی مافات گردد و آیات ینات جلوه نماید انسان را عزّت و بزرگواری پیاکی و راستی و خیرخواهی و عفت و استقامتست نه بزخارف و ثروت اگر نفسی موفق بر آن گردد که خدمتی نمایان بعالم انسان علی الخصوص ایران نماید سرور سرورانتست و عزیزترین بزرگان اینست غنای عظیم و اینست گنج روان و اینست ثروت بی پایان والا ننگ عالم انسانیت ولو در نهایت شادمانیست چه قدر انسان باید که غافل و نادان باشد و پست فطرت و پست طینت که خویش را باوساخ ارتکاب و خیانت دولت بیالاید والله حشرات ارض از او ترجیح دارند انتهی

ای افنان آنجناب در حقّ ورقه مبارکه المنتسبه الیک باید برأفت و عدالت بحکم الهی معامله نمائی یا آنان را به طهران بخواهی یا خود به یزد بشتابی سالهای چند است که مهجور و محزون و مأیوس مانده اند بیش از این جائز نه و علیک التّحیّه و الثّناء ع ع